

روند تخریب گستره آبخیزهای حوزه تهران به عنوان بستر تولید آب و کمر بند زیست محیطی انبوه عظیم از جمعیت انسانی ساکن در دشت های زیر دست هم اکنون به مرحله بحرانی و بسیار خطرناک رسیده است. با توجه به وسعت فاجعه که در این گزارش مورد بحث خواهد بود، تأکید بر این است تا در کنترل عوامل تخریبی که در حلقه اول از تجاوزات ساخت و ساز و بی اعتنایی به قوانین و مقررات زیست محیطی کشور ناشی می شود، تمام امکانات لازم به کار گرفته شوند. به این لحاظ ابتدا تصویری از شرایط کلی منطقه با معرفی موقعیت طبیعی تهران در چارچوب حوزه آبریز قم ارائه خواهد شد. با اشاره مختصر به شرایط آب و هوایی دشت تهران، وضعیت کاسه لبریز شده حوزه تهران در رابطه با ظرفیت و قابلیت پذیرش جمعیت انسانی - بتاسیل طبیعی - شرایط زیست - محیطی، به ویژه ارتباط آن ها با وضعیت آبخیزها و شرایط هیدروکلیماتولوژی منطقه مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. از حوزه سد طالقان به عنوان مدلی از نحوه تجاوز و تخریب این قبیل مناطق حساس و با اهمیت زیست محیطی کشور و بالاخره نمونه ای از بی توجهی به تمام این تنگناها صحبت می شود. در این رابطه آخرین گزارشی را که بصورت اعلام خطر به مسئولین ارائه گردید عیناً (بند ۴) منعکس خواهد شد. موضوع مورد بحث که در حقیقت بصورت گزارشی هشدار دهنده از وضعیت موجود است می تواند سرآغازی از ادامه برخوردها و بررسی های علمی جدی تر در این زمینه باشد.

تنگناهای زیست محیطی تهران در رابطه با آبخیزها با تأکید بر حوزه سد طالقان رود

کوپر هم اکنون با تمام قدرت در مدخل آن در جریان است. درحوزه آبریز قم که شدیداً متأثر از شرایط سخت و خشک کویری حوزه مرکزی است به ویژه به لحاظ تمرکز انبوه عظیم از جمعیت انسانی، شدت این قبیل فعل انفعالات کویری دو چندان شده است به طوری که پیشروی و گسترش کویر نه تنها دشت های مساعد قزوین تا ورامین را در بر گرفته، حتی آبخیزهای بالادست این دشت ها را با توجه به تجاوزات گسترده ساخت و سازی که صورت می گیرد نیز بلااستثناء با تهدید جدی روبرو ساخته است. قابل توجه است که شهر بزرگ تهران، نه تنها متأثر از این فعل و انفعالات و پیشروی شرایط کویری است، مرکز شهری خود نیز به صورت کانون تخریب

از گستره دشت تهران، در پای جنوبی دیواره های بلند سلسله جبال البرز میانی پناه گرفته است. دشت تهران از جمله دشت های چهارگانه بخش شمالی حوزه آبریز قم است دشت های ورامین - تهران - کرج - قزوین را شامل می شوند، این دشت ها مساعدترین منطقه زیستی حوزه آبریز قم را تشکیل می دهند. حوزه آبریز قم بخشی از پیکره شمال غربی بزرگ حوزه مرکزی ایران را می پوشاند (ترسیم شماره ۱). حوزه مرکزی (فلات مرکزی ایران) با بیش از پنجاه درصد از مساحت فلات ایران به عنوان یکی از بزرگترین برکه های بسته خشک جهان، شدیدترین کویرها را در خود جای داده و بالاخره فعل و انفعالات شدید کویری به صورت توسعه و گسترش

مطالب مورد بحث بشرح زیر است:

- ۱- شرایط طبیعی دشت تهران در چارچوب حوزه آبریز قم.
- ۲- شرایط آب و هوایی تهران در محدوده دشت تهران.
- ۳- نکات اساسی در رابطه با تنگناهای زیست محیطی تهران.
- ۴- حوزه سد طالقان رود و طرح های صنعتی و ویلا سازی.

۱- شرایط طبیعی دشت تهران در چارچوب حوزه آبریز قم:
شهر بزرگ تهران با در برگرفتن حدود سی درصد

بی‌مناسبت هم نیست اگر بیان گردد، کویر از هر سو به ویژه از جنوب - جنوب شرقی به سمت دشت تهران در حال پیشروی است. دشت تهران که جمعیت عظیمی از کشور را در خود متمرکز ساخته، دارای مساحت تقریبی ۱۷۰۰ کیلومترمربع یعنی حدود ۵ درصد از مساحت استان را در برمی‌گیرد که به حدود ۶۰۰ کیلومترمربع آن به طور کم و بیش به وسیله اماکن و بناهای مسکونی و صنعتی و غیره اشغال شده است. ارتفاع متوسط شهر تهران به حدود ۱۲۰۰ متر می‌رسد که شیب آن از شمال به سمت جنوب است.

متوسط نزولات جوی حدوداً ۲۲۰ میلی‌متر و

البته هم اکنون کل حوزه با یک چنین بحرانی روبروست، به طوری که تخریب گسترده‌ی ناشی از فعالیت‌های زیستی از دامنه‌های جنوبی البرز تا سطح مخروطهای افکنه، از بستر مسیل و آبراهه‌ها و بالاخره تا مساحت وسیعی از سطح دشت مدفون شده زیر بستر شهر بزرگ تهران را در بر می‌گیرد.

در این گزارش صحبت از تخریب و تجاوز آبخیزهایی است که تهران از آب تولیدی آن‌ها بهره‌مند است. طبق نقشه شماره ۲ کلاً آبخیزهای لار - لتیان - کرج و طالقان را شامل می‌شوند. البته در اینجا تأکید بر آبخیز طالقان است که در آغاز تجاوزات ساخت و ساز قرار دارد. برخورد قاطع در حفاظت از آبخیز

زیست محیطی حوزه درآمده است. موقعیت طبیعی تهران را باید به دو صورت کوهستانی و دشت مورد ارزیابی قرار داد که در عین حال در ارتباط باهم عمل می‌کنند. منطقه کوهستانی مرتفع‌ترین دامنه‌های جنوبی البرز تا پای ارتفاعات حاشیه شمالی دشت‌ها و دشت تهران هم تا حاشیه دشت کویر پیشروی دارد. البته شرایط زیست محیطی تهران تحت تأثیر این دو حوزه متفاوت توپوگرافی بوده و همین‌طور در ارتباط مستقیم با فعالیت‌های زیستی دست‌های ورامین، کرج و قزوین قرار دارد. به این لحاظ کلیه فعالیت‌های زیستی و تولیدی این چهار دشت به ویژه از نظر تامین آب و مکان‌های زیستی در

دکتر عطاء... قبادیان

برنامه‌ریزی‌های کلان باید باهم دیده و عمل شوند. به همین ترتیب هم مناطق کوهستانی بالادست دشت‌ها مثلاً از دماوند، توچال و امام‌زاده داود تا طالقان مرتبط به هم و به صورت کمر بند زیست محیطی دشت‌های زیر دست خود عمل می‌کنند.

ارتفاعات حوزه که تا خط‌الراس پیش می‌روند آبخیزهای دشت‌های زیر دست را تشکیل می‌دهند. و به عنوان بستر تولید آب این دشت‌ها که به ویژه از سمت جنوب با شرایط کویری روبرو هستند حایز اهمیت حیاتی می‌باشند. مسلماً تخریب در هر گوشه‌ای از این آبخیزها به طور اجتناب ناپذیر به اختلال زیست محیطی و شرایط هیدرولوژیکی دشت‌های چهارگانه زیر دست منتهی خواهد شد.

طالقان می‌تواند الگویی باشد برای رهایی همه آبخیزهای تولیدکننده آب کشور از تخریب و ویرانی، قابل ذکر است که سدهای مخزنی لار - لتیان و کرج تأمین‌کننده بیش از هشتاد درصد از آب شرب تهران می‌باشند. البته آبخانه‌های زیرزمینی نیز تأمین بخش کوچکی از نیاز آبی شهر را به عهده دارند.

۲- شرایط آب و هوایی شهر تهران در محدوده دشت تهران:

تهران در عین اینکه از شرایط آب و هوایی بسیار مناسب دامنه‌های سلسله جبال البرز برخوردار است، از اثرات عوامل طبیعی شدیداً کویری غالب بر فلات مرکزی نیز بی‌نصیب نمانده است. به این دلیل،

تبخیر سالیانه دشت به کمی بیشتر از ۲۰۰۰ میلی‌متر می‌رسد. البته میزان نزولات جوی در گستره آبخیزها متفاوت است و می‌تواند حتی به بیش از ۶۰۰ میلی‌متر در سال برسد.

درجه حرارت متوسط سالیانه به حدود ۱۶/۵ درجه سانتی‌گراد و درجه حرارت ماکزیمم تا ۴۱ درجه سانتی‌گراد در تیرماه و درجه حرارت مینیمم آن در دی - بهمن می‌تواند حتی با کمتر از ۱۰ درجه سانتی‌گراد زیر صفر برسد. میانگین درجه حرارت ماکزیمم حدود ۳۶ + درجه سانتی‌گراد و میانگین مینیمم حدود ۱/۵ درجه سانتی‌گراد زیر صفر است. بیشترین ریزش نزولات جوی معمولاً در اسفندماه و کمترین آن به ماه‌های تابستان مربوط می‌شود. به

طورکلی هوای تهران خشک بوده و متوسط رطوبت نسبی سالیانه به حدود ۳۸ درصد می‌رسد که بالاترین رقم متوسط تا ۶۵ درصد و کمترین میزان متوسط ماهیانه به حدود ۲۳ درصد بالغ می‌شود. تهران در عین حال دارای چهار فصل منظم است. معمولاً اولین باران پاییزی از اواخر شهریور ماه یا اوایل مهرماه ظاهر می‌شود، که اغلب با باد خنک پاییزی همراه است.

گرمترین ماه سال در تابستان اغلب به تیرماه محدود می‌گردد اما می‌تواند تا اواسط مردادماه ادامه داشته باشد، سردترین ماه‌های سال دی - بهمن است که می‌تواند با برف‌های سنگین همراه باشد.

۳- نکات اساسی در رابطه با تنگناهای زیست محیطی تهران:

۳-۱ ارتفاعات شمالی دشت تهران تا خط‌الراس سلسله جبال البرز میانی به عنوان بستر تولید آب و همین‌طور کمربند زیست محیطی تهران عمل می‌کنند که تحت عنوان حوزه آبخیز تهران بیان می‌شود. در حالی که جمعیت انسانی متمرکز و به سرعت رو به افزایش در مدخل حوزه شاید به بیش از دو برابر ظرفیت و پتانسیل طبیعی آن رسید، تخریب بستر آبخیزها با تمام قدرت بخصوص بصورت تجاوزات لجام گسیخته ساخت و ساز تا حساسترین گستره حوزه را دربرگرفته است. این ارتفاعات که

که آب‌های معدنی منطقه دماوند از مناسبترین آب شرب بهداشتی در دنیا شناخته شده‌اند و مسلماً برای سرزمین خشک و کم آب ایران از ارزشمندترین منابع ملی به حساب می‌آیند که می‌توانند در آینده با توجه به بحران آبی خاورمیانه از لحاظ مصرف داخلی و صادراتی رل مهمی را عهده‌دار شوند. تجاوز گسترده به حوزه سد لتیان (تأمین‌کننده نزدیک به ۴۰ درصد از آب شرب تهران) علاوه بر تخریب و فرسایش شدید بستر آبخیز و رسوبگذاری فراوان در مخزن سد، درجات آلودگی آب پشت سد که به تهران انتقال می‌یابد به ویژه در مواقع کم آبی به مرز بحرانی می‌رسد و شرایط هر ساله وخیم‌تر می‌شود، تخریب

تنگناهای زیست محیطی تهران در رابطه با آبخیزها با تأکید بر حوزه سد طالقانرود

و تجاوزات ساخت و ساز در حوزه سد کرج (از دیگر منابع اصلی تأمین‌کننده آب شرب تهران) به طرز نگران‌کننده‌ای رو به گسترش است. و بالاخره آغاز تجاوزات تخریبی (ساخت و ساز) به حریم سد طالقانرود که مورد بحث این گزارش است قابل ذکرند.

۳-۲ تهران مثل همه شهرهای بزرگ دنیا نه تنها با تعداد بیشمار از مسایل و مشکلات اجتماعی - اقتصادی مشابه روبروست، همین‌طور با تنگناهای شدید طبیعی چون ناچیز بودن نزولات جوی، قرار داشتن در حاشیه کویر و بالاخره تا ویرانی کمربند زیست محیطی (دامنه‌های شمالی حوزه) خود نیز دست به گریبان است. از دیگر مشکلات تهران مسأله تأمین آب انبوه عظیم از جمعیت انسانی متمرکز در

می‌بایستی پوشیده از جنگل و مراتع باشند (البته در گذشته چنین بود) تا به وظایف طبیعی خود به عنوان بستر قدرتمند تولید آب، تأمین هوای سالم و بالاخره پناهگاه زیست محیطی میلیون‌ها نفر مردم تهران بطور مناسب و متعادل عمل نماید، امروزه به صخره‌های لخت و درهم ریخته تبدیل گردیده‌اند.

نکته قابل توجه در اینست که ارگان‌های دولتی خود پیشتاز و برنامه‌ریز این حرکات تخریبی هستند، در این رابطه باید به شرایط آبخیزهای تهران از شرق به غرب اشاره شود که نمایانگر این واقعیت‌ها است. فعالیت‌های ساختمانی در حریم چشمه‌های معدنی منطقه دماوند در وحله اول به ارگان‌های دولتی مربوط می‌شود که بسیار هم جای تأسف دارد، زیرا

یخبندان معمولاً از آذرماه آغاز می‌شود که می‌تواند با شدت کم و زیاد حتی تا بیش از ۵۰ روز در سال ادامه یابد. دشت تهران با وجود اینکه به وسیله دیوارهای مرتفع سلسله جبال البرز از شمال جدا شده، معذک شرایط آب و هوایی تهران در موارد زیادی تحت تأثیر تغییرات جوی آب و هوایی مرطوب و پر باران شمال ایران قرار می‌گیرد.

اگر چه شرایط آب و هوایی تهران در گذشته از لحاظ زیست محیطی از مطلوبترین بوده اما امروز دیگر اینطور نیست، هوای تهران متأثر از آلودگی شدید فیزیکی با اختلالات جدی شرایط زیستی دست به گریبان است.

دشت تهران - کرج است که تصویری از آینده‌ای فاجعه بار برای تهران ارائه می‌دهد، این در حالیکه برنامه ریزان شهری و صنعتی کشور راه حل را تنها در جابجایی صنایع و جمعیت در این کاسه لبریز شده و تأمین آب را هم از انتقال هر چه بیشتر آب از حوزه شمال دیده و ارائه طریق نموده‌اند که البته تاکنون فقط به تقویت هر چه بیشتر رشد سرطانی تهران انجامیده است.

باید به این نکته اساسی توجه داشت که ارزیابی مناطق برای هر گونه فعالیت زیستی و تولیدی در مجموع باید براساس استعداد و پتانسیل طبیعی مناطق در چارچوب حوزه‌ها صورت پذیرد. برخورد

منابع طبیعی مناطق، طبعاً همزمان با نابودی منابع خاک و منابع گیاهی با از دست دادن منابع آب نیز همراه است. متأسفانه بعلت بی‌اطلاعی مردم و عدم شناخت دست اندرکاران امروز از جایگاه ویژه و اهمیت بسیار حیاتی منابع طبیعی، سرزمین خشک ایران امروز با خطر جدی از دست دادن بستر تولیدی و شرایط زیست محیطی خود روبرو است.

قابل ذکر است که منابع طبیعی تجدید شونده در مقایسه با منابع طبیعی معدنی که وسیله‌ای برای زیست و بهتر زیستن است، اساس زیست و شرط استمرار حیات را تشکیل می‌دهد. با بیان ساده‌تر منابع طبیعی تجدید شونده مورد بهره‌برداری مداوم

۴-۳ تأکید بر اهمیت آبخیزهای مورد بحث البرز میانی همان طور که توضیح داده شد، در اینست که حیات دشت‌های ورامین، تهران، کرج، قزوین (و البته دیگر دشت‌های پایین دست) در گرو سالم ماندن این آبخیزها از تخریب و تجاوز است که اثرات سوء آن در وحله اول به کاهش تدریجی تولید آب و بالاخره آلودگی منابع آبی مربوط می‌شود.

باین ترتیب از اصلی‌ترین شرط مکان‌یابی برای اسکان و بهسازی زیست محیطی مناطق، شناخت و ارزیابی دقیق شرایط و موقعیت منابع آبی حوزه‌ها است. که باید در چهارچوب حوزه‌های آبخیز با در نظرگرفتن کلیه عوامل حاکم صورت پذیرد. زیرا که

و ارزیابی‌های موضعی متداول که اشاره شد جز فعال ساختن هر چه بیشتر عوامل تخریبی و ایجاد اختلالات و سردرگمی شرایط زیستی در کل حوزه چیز دیگری نخواهد بود. مسلماً در شرایط خشک و کم باران با منابع طبیعی تجدید شونده محدود و بسیار حساس فلات ایران، احتمال بهسازی در بلند مدت و تلاش در جهت برگشت حوزه به حالت طبیعی آن صرف‌نظر از هزینه‌های کلان مالی، بسیار مشکل و در بیشتر موارد عملاً ناممکن خواهد بود.

۳-۳ قابل توجه است که سرزمین خشک ایران با کمبود جدی آب و از دست دادن تدریجی ذخایر و منابع خود روبروست. منابع آب خود بخشی از اجزاء سه گانه منابع طبیعی تجدید شونده است. در تخریب

انسان است تا زنده بماند و ادامه حیات بدهد. به این لحاظ است که بیان می‌گردد قدرت و خلاقیت ملت‌ها، در پناه داشتن منابع طبیعی تجدید شونده غنی و فراوان است، ویرانی و نابودی منابع طبیعی تجدید شونده در هر سرزمینی به معنی و مفهوم مرگ تدریجی و نیستی مردم آن سرزمین خواهد بود. شرایط تأسف باری که امروز سرزمین پهناور ما با ویرانی منابع طبیعی خود گرفتار آن است. برای مقابله با این وضع اقدام و پیروی از قوانین و مقررات جاری - آگاهی دادن مردم ایران به اهمیت و جایگاه ویژه منابع طبیعی و بالاخره آموزش آن در حد معرفی کلی در تمام رشته‌های دانشگاهی از اهم ضروریات است.

همه این عوامل مرتبط بهم و در ارتباط با هم عمل میکنند و بالاخره اختلال در کار یکی، سبب ایجاد اختلال در کل سیستم طبیعی حوزه خواهد شد.

لذا ارزیابی مجموعه سیستم آبی که شروع آن خط‌الراس آبخیز و پایان آن خط‌القعر حوزه است باید کلان دیده شده و کل خط سیر آبی حوزه یعنی از محدوده تولید آب - محدوده تغذیه، محدوده ذخیره و بالاخره محدوده تخلیه آب را دربرگیرد. البته وسعت حوزه می‌تواند چندین کیلومتر مربع تا چند هزار کیلومتر مربع باشد. اما اساس کار همان است و تغییر نمی‌کند زیرا که بروز اختلال در هر بخشی از این مجموعه به مرور به ایجاد ناهم‌آهنگی در کل سیستم هیدرولوژیکی خواهد انجامید.

آثار این اختلالات به کم آبی و فصلی شدن رودخانه‌ها - خشك و محو شدن چشمه‌ها - خشکی و کم آبی دشت‌ها و بالاخره به ظهور سیلاب‌های ویرانگر همراه با فرسایش شدید آبی در ارتفاعات و فرسایش بادی با توده‌های مهاجم شن روان در دشت‌ها می‌انجامد. از دیگر اختلالات خطرناك، همین طور آلودگی منابع آبی از طریق ساخت و ساز در بستر آبخیزهاست که می‌تواند به تدریج با ایجاد خط آلاینده پایدار، آلودگی کل سیستم آبی حوزه را دربرگیرد که البته پالایش و مقابله با آن به سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود، خطر جدی که هم اکنون آبخانه‌های زیرزمینی دشت تهران با آن روبرو هستند.

نمونه‌ای از نحوه تجاوزات ساخت و ساز، ضرورت پیشگیری به موقع برخورد قاطع با آن است. متذکر می‌شود که مسأله محیط زیست امروز به صورت یکی از اساسی‌ترین مسایل جهانی درآمده و بالاخره کارشنان بهداشت جهانی در سال گذشته موفق شدند رهبران جهان را به پای میز تبادل نظر و هشدارهای علمی گردهم آورند. مسلماً بهداشت جهانی در آینده مصوبات زیست محیطی جهانی (منشور زمین) را پی‌گیر و در کشورها به طور جدی وارد عمل خواهد شد.

مجدداً نظر مسئولین و دست اندرکاران را در احترام به نظریات کارشناسی و اجراء قوانین و

دشت قزوین هدایت می‌شود. بر روی رودخانه طالقان در زیر دست شهرک طالقان (مرکز بخش) احداث شده است. محل سد مخزنی طالقان که هم اکنون آماده اجرا می‌باشد (ترسیم شماره ۲) پایین‌تر از سد انحرافی و تا تهران حدود ۱۵۰ کیلومتر فاصله دارد.

دره بسیار زیبای طالقان که رودخانه طالقان در خط القعر آن از جهت شرق به غرب جریان دارد بوسیله ارتفاعات سر به آسمان کشیده و زیباتر از گستره دره محاصره شده است. ضلع جنوبی ارتفاعات بصورت دیواره بلند و گسترده و البته صعب‌العبور دشت کرج، قزوین را از دره طالقان جدا

تنگناهای زیست محیطی تهران در رابطه با آبخیزها با تأکید بر حوزه سد طالقانرود

۴- شرایط حوزه سد طالقانرود و طرح‌های صنعتی و ویلاسازی (گزارش مورخ ۱۳۷۱/۶/۲۹):

در مباحث قبل اهمیت آبخیزهای حوزه تهران در چارچوب حوزه آبریز قم و ارتباط هر يك از آنها به عنوان بخشی از کمربند زیست محیطی دشت‌های زیردست نشان داده شد، از آبخیز طالقان که در منتهی‌الیه حاشیه غربی این کمربند زیست محیطی واقع است به عنوان بخشی از این مجموعه صحبت خواهد شد (ترسیم شماره ۲) همان طور که در مقدمه اشاره گردید گزارشی را که در این رابطه به صورت اعلام خطر و هشدار آورده می‌شود در عین حال

مقررات محیط زیست کشور جلب می‌نماید. مطالب مورد بحث در رابطه با حوزه سد طالقانرود به شرح زیر است:

رودخانه طالقان که از کوه‌های طالقان سرچشمه می‌گیرد بعنوان یکی از شاخه‌های اصلی رودخانه شاهرود با قزل اوزن تشکیل سفید رود و پس از مشروب ساختن دشت گیلان بدریای مازندران میریزد. کوه‌های طالقان و الموت واقع در قسمت مرکزی ارتفاعات البرز میانی جزء کوچکی از تشکیلات البرز و ادامه ارتفاعات ضلع شمالی استان تهران می‌باشند.

آبادی‌های طالقان در دره طالقان قرار گرفته‌اند و سد انحرافی طالقان که آب آن از طریق تونلی بطرف

می‌سازد. آبدهی سالیانه رودخانه طالقان حدود ۴۸۰ میلیون مترمکعب است و سد مخزنی آماده اجرا قرار است تقریباً همین میزان آب را (حدود ۴۵۰ میلیون مترمکعب) ذخیره و بطرف دشت‌های وسیع و تشنه و بسرعت رو بخشی تهران - کرج - قزوین که هم اکنون بیش از يك چهارم از جمعیت کشور را در خود متمرکز ساخته‌اند سرازیر سازد. احداث سد در این محل البته کاری است بزرگ و قابل ملاحظه و شاید هم اجتناب‌ناپذیر. اما حفاظت حوزه آبخیز این سد و بدور نگهداشتن آن از هرگونه آلودگی و دخل و تصرف و تجاوزات هنوز با اهمیت‌تر و حیاتی‌تر است. همان طور که قبلاً توضیح داده شد استمرار حیات يك چشمه كوچك تا يك رودخانه بزرگ به

آبچیزهای آن یعنی کوهها و ارتفاعاتی که آن را احاطه کرده‌اند یعنی به بستر تولید آب آن وابسته است، به عبارت ساده‌تر تجاوز و تخریب به محدوده بستر تولید آب یا آبچیزها، یعنی آگاهانه فراهم آوردن زمینه و شرایط مرگ تدریجی منابع تولید و تأمین‌کننده آب دشت‌های زیر دست خواهد بود. اثرات تخریبی به صور گوناگون، چون ظهور فرسایش خاک از آبچیزها و پرشدن مخزن سد (چون سد سفیدرود) سیلابی و کم شدن رودخانه و خشک شدن چشمه‌ها و بالاخره آلوده شدن کل سیستم آبی حوزه ظاهر می‌شود، شرایط فاجعه باری که هم‌اکنون بر رودخانه لتیان و مخزن سد لتیان به عنوان تأمین‌کننده تا چهل درصد

استمرار حیات شرافتمندانه مردم ایران به این مناطق بسیار محدود و کمیاب کشور وابسته است، اما تسطیح می‌شوند برای ایجاد مجتمع صنعتی، آیا این عملیات با اولیه‌ترین اصول علمی مطابقت دارند که صنایع در خط‌الراس ارتفاعات در بستر تولید آب رودخانه‌ها و چشمه‌ها مستقر شوند؟ سؤال براین است که معنی و مفهوم تاسیسات صنعتی در ایران چیست؟ و جایگاه آن در کجاست؟ مگر نه اینست که عدم وابستگی و استقلال ملت‌ها در گرو داشتن بستر تولید و محیط زیست سالم و خودکفائی در تأمین حداقل مواد غذایی است، ما به اتکاء پول نفت به کجا می‌رویم، و بر سر محیط زیست و بستر تولید

طالقان و محدوده اطراف، پذیرش میزان معینی از جمعیت انسانی را داراست که فعالیت اصلی و امرار معاش آن‌ها، در جهت دامداری و زنبورداری و تولید فراورده‌های دامی و یا از طریق جذب توریست متمرکز خواهد بود. مسلماً جمعیت مازاد در خارج از منطقه از آن جمله جذب صنایع خواهند شد که جایگاه آن در آندست جنوبی طالقان در دشت‌های خشک و کویری آن هم در تحت شرایط و ضوابط معین خواهد بود. نکته تأسف بار دیگری که قبلاً به آن اشاره شد ویلاسازی در مدخل دریاچه درست در فاصله چند متری سطح آب پیش‌بینی شده دریاچه (مخزن سد) است که خود سرآغاز ویلاسازی و

از آب مورد نیاز تهران حکمفرماست. شگفت‌آور اینجاست که هم‌اکنون یک چنین حرکت ویرانگر در حوزه آبخیز طالقانرود به صورت ویلاسازی و طرح‌های صنعتی شروع شده و تسطیح اراضی در دامنه‌های ارتفاعات طالقان مشرف به دره طالقان با تمام قدرت صورت می‌گیرد. در بدو بازدید (به اتفاق اعضاء ستاد آب و خاک استان تهران) تصور می‌شد عملیات آبخیزداری جهت بهسازی بستر آبخیز و پیشگیری از بروز فرسایش خاک و جلوگیری از پر شدن دریاچه سد مورد نظر همزمان آغاز گردیده، که البته تپه ماهورهای فرسایشی می‌بایستی احیاء و بازسازی شوند. ایجاد مراتع سرسبز و هم چنین زنبورداری و درختکاری این استعداد منطقه است.

خود چه می‌آوریم؟ کندن و بهم‌ریختن دامنه‌های آبخیز بسیار حساس طالقانرود برچه اساس و ضوابطی صورت می‌گیرد، با توجه به تشکیلات زمین شناسی بویژه جنس زمین ساختی سطحی منطقه به شدت مستعد فرسایش و تخریب و بالاخره آماده فروریختن پوشش خاکی تمام دامنه‌ها به قعر رودخانه است (قابل ذکر است که فرسایش خاک در آبخیز طالقانرود بسیار بالا و متجاوز از ده تن در هکتار است). خسارات این قبیل حرکات نادرست و ویرانگر بستر حیات مردم ایران بیش از خسارت وارده حاصل از به آتش کشیدن صدها چاه نفت است که در کوتاه مدت به آن چشم دوخته‌ایم، اما برای جبران این نوع خسارت جایگزینی وجود ندارد. دره

بورس بازی زمین و بالاخره تخریب و آلودگی زیست محیطی و به ویژه آلودگی آب دریاچه و کل سیستم آبی حوزه را دربر خواهد داشت، شرایطی که بر سر سد لتیان و سد کرج وارد آمده است. شکی نیست که منطقه طالقان مستعد برای ایجاد مکان‌های زیست محیطی جهت استراحت و تفریح کوتاه مدت مردم است، بهره‌مند شدن مردم از هوای سالم آنجا که می‌توان تحت عنوان احداث استراحت‌گاه‌ها به صورت هتل و رستوران البته در خارج از محدوده دریاچه با دقت مطالعه، طراحی و برنامه‌ریزی نمود.

۴-۱ پیشنهادات و توصیه‌ها:

۱- حوزه آبخیز دره طالقان از خط‌الراس تا

خط القعر که وسعت آن حدود ۱۰۰۰ کیلومترمربع است باید به عنوان منطقه حفاظت شده اعلام و تحت پوشش عملیات آبخیزداری کشور قرار گیرد، برای این منظور حوزه می تواند اولویت بندی شود (ترسیم شماره ۲) از حاشیه دریاچه سد مخزنی تا شعاع حدود ۱۰ کیلومتری به عنوان اولویت اول حفاظتی باید از احداث هر گونه تأسیسات ساختمانی بهر شکل و صورت ممنوع و به جای آن عملیات آبخیزداری در وحله اول به صورت درختکاری و کلاً احیاء پوشش گیاهی صورت گیرد. عملیات آبخیزداری هر چه زودتر و حداقل همزمان با شروع عملیات اجرایی سد ذخیره آغاز گردد.

عموم از شعاع حدوداً ده کیلومتری مخزن سد به بعد (اولویت دوم حفاظتی) می تواند با نظارت وزارت مسکن و شهرسازی برنامه ریزی و طراحی شود. مشروط بر اینکه معادل ده تا پانزده برابر مساحت زیر بنا، پارک جنگلی احداث و تأسیسات ساختمانی در مرکز پارک واقع شوند (قابل ذکر است که منطقه از استعداد طبیعی بسیار مناسبی از آن جمله ایجاد پارک جنگلی برخوردار است).

۵- روستاهای پراکنده در گستره آبخیز و خود شهرک طالقان واقع در دره طالقان که در بالادست محل احداث سد مخزنی واقع شده اند باید در چارچوب طرح جامع، محدوده نهایی آن ها مشخص

نباید فراموش کرد که حداقل یک چهارم از جمعیت کشور به تولید مستمر آب از ارتفاعات طالقان و دستیابی سالم به آن چشم دوخته اند. بامید اینکه بدون ایجاد هرگونه سوء تفاهم در ارایه نظریات عملی همه دست اندرکاران با این مسئله بطور مسئولانه و دلسوزانه برخورد نمایند.

منابع علمی:

- ۱- قبادیان، عطاءاله: سیمای طبیعی استان تهران - قسمت اول، منطقه دماوند، جهاد استان تهران، ۱۳۶۵.
- ۲- وزارت آب و برق: اطلس هیدرولوژی جنوب البرز. واحد آب، ۱۳۴۹.

تنگناهای زیست محیطی تهران در رابطه با آبخیزها با تأکید بر حوزه سد طالقانرود

۲- عملیات بر روی اراضی که در آبخیز رودخانه طالقان به صورت تسطیح و آماده سازی برای ایجاد مجتمع صنعتی صورت می گیرد باید بلافاصله متوقف و تعطیل شود. همزمان اراضی تسطیح شده درختکاری و به پارک جنگلی تبدیل شود.

۳- هر گونه ساخت و ساز دولتی یا خصوصی (بجز خدماتی مربوط به سازمان آب منطقه ای) باید به ویژه در محدوده دریاچه ممنوع و آنچه راکه هم اکنون در دست احداث است به خاطر آینده سالم زیست دشت های قزوین - کرج - تهران تعطیل و تخریب شود تا از الگو شدن برای ادامه تجاوزات جلوگیری گردد.

۴- احداث هتل و استراحت گاه ها جهت استفاده

و به وسیله کمربندی از جنگل محافظ محدوده آبادی ها برای همیشه بسته شود که البته جمعیت مازاد طبعاً از منطقه (بدنبال کار و اشتغال) خارج خواهند شد.

توصیه می شود هر چه زودتر شرایط و زمینه این کار فراهم شود تا از گسترش روستا و ساختمان سازی جلوگیری گردد. احداث شبکه فاضلاب و تصفیه خانه فاضلاب برای شهرک طالقان، روستاهای واقع در حاشیه رودخانه در اولویت قرار خواهند داشت.

۶- از شورای عالی مسکن و شهرسازی کشور انتظار دارد تا با مصوبات قانونی خود استان تهران را در رابطه با اجراء بندهای پیشنهادی ۱ تا ۵ یاری دهند.

۳- قبادیان، عطاءاله: فلات مرکزی ایران (کتاب اول)، سیمای طبیعی استان یزد. دانشگاه جندی شاپور، ۱۳۶۱.

۴- سازمان برنامه: ارزیابی وضع موجود و امکانات توسعه منابع آب. منطقه تهران، جلد نهم. مدیریت منابع آب، ۱۳۵۲.

۵- قبادیان، عطاءاله: فلات مرکزی ایران (کتاب دوم) سیمای طبیعی استان کرمان. دانشگاه جندی شاپور، ۱۳۶۴.

۶- قبادیان، عطاءاله: سیمای طبیعی فلات ایران، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۶۹.

۷- سازمان آب منطقه ای تهران: طرح سد مخزنی طالقان - مطالعات مرحله دوم. مهندسین مشاور مهتاب قدس، ۱۳۶۹.



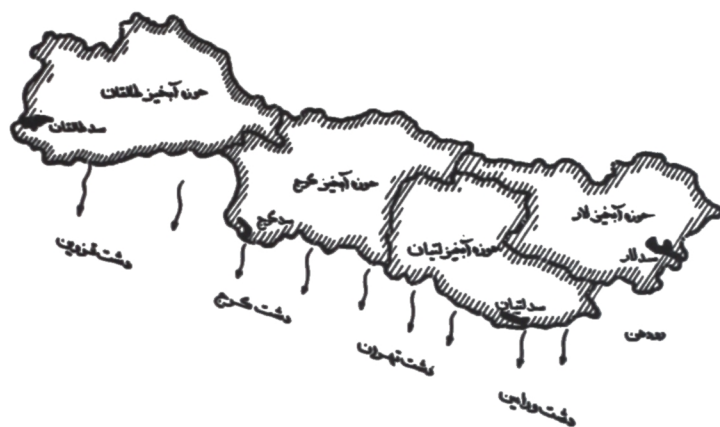
علامه

- ۱ - محدوده حوضه
- ۱ - ۱ - محدوده آبوزیقم
- ۲ - رودخانه
- - مرز استان
- - شهر

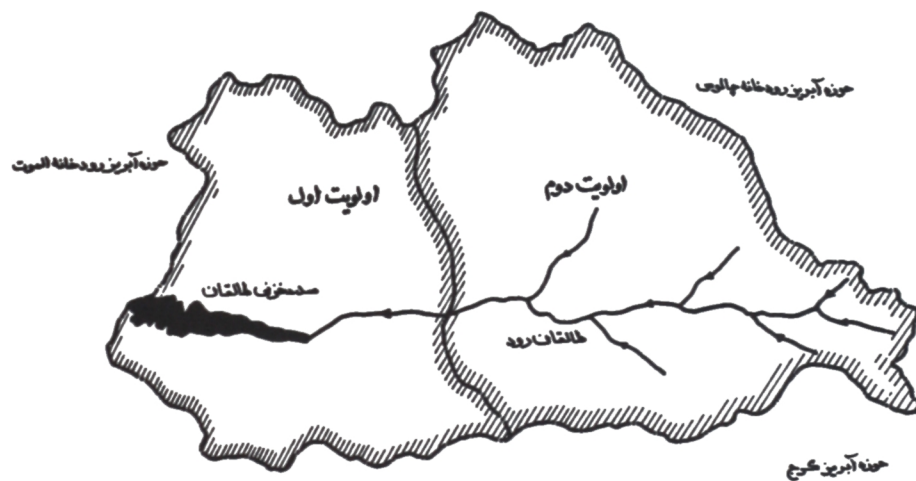


موقعیت حوضه آبوزیقم





موقعیت حوزه های آبریز سد های مخزنی تأمین کننده آب تهران



محدوده حوزه طالقان رود - محل سد مخزنی - اولویت های اول و دوم حفاظتی

علامت
 --- محدوده حوزه
 --- رودخانه
 --- سد



موقعیت دشتهای: ورامین - تهران - کرج - قزوین

